



«فرهیختگان» گزارش می دهد

اوانجلیست‌ها چگونه ترامپ را به باتلاق بردند؟

آمریکایی‌ها دانند، واشنگتن بهادیت اوانجلیست‌ها مشغول درگیری‌های خاورمیانه‌ای است. برت مک گورگ، نماینده سابق آمریکا در ائتلاف ضد داعش که در دوره ترامپ از کار برکنار شد، سال گذشته میلادی در مقاله‌ای به شدت سیاست خارجی آمریکا را در خاورمیانه مورد انتقاد قرار داد. وی که خود متخصص خاورمیانه شناخته می‌شود معتقد بود درحالی‌که آمریکا براساس راهبرد خود باید در شرق آسیا تمرکز کند، دولت ترامپ با خروج از برجام و ملت‌پس کردن خاورمیانه درگیر این منطقه شده و چین را رها کرده است.

۴ ضلع چهارم در مربع تولید نیروی خلاف جهت در دولت ترامپ، برکناری و به‌حاشیه‌راندن افراد متخصص و جایگزینی آنها با افراد غیرمهار است. رئیس‌جمهور آمریکا به اذعان بسیاری از اعضای سابق دولت و کارشناسان هیچ‌گونه نظر مخالفی را برنمی‌تابد و تلاش اعضای دولت وی برای تغییر نظر ترامپ اغلب با تلخکامی او همراه است. این مساله می‌تواند به منوی شدن و حتی اخراج این افراد بینجامد. همین مساله موجب شده دولت ترامپ به شدت نابایار و شناور باشد. تعداد زیادی از اعضای این دولت در مدت زمان‌هایی بسیار با استغفا داده‌اند یا اخراج شده‌اند. آنتونی اسکراموچی، مدیر ارتباطات کاخ سفید تنها پس از دو هفته از روی کار آمدن ترامپ و همکاری با وی کناره‌گیری کرد یا در موردی دیگر کی‌تی مک‌فارلند، قائم‌مقام مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور تنها چهارماه توانست در دولت ترامپ دوام بیاورد. رگس تیلرسون، نخستین وزیر امور خارجه‌ترامپ نیز تنها یک‌سال در مقام خود بود و به دلیل اختلاف نظر با ترامپ به‌خصوص در زمینه خروج آمریکا از

برجام مجبور به استغفا شد. دولت آمریکا به دلیل تعداد بالای اخراج‌ها و استغفاها به نوعی تبدیل به «محله بروی» شده است. به‌جز این مساله، به کارگیری افراد غیرمتخصص در امور حساس نیز در دولت ترامپ رواج دارد. بزرگ‌ترین نمونه حال حاضر آن «کلی کرافت» نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد است. وی پیش از این تنها دوسال در دولت ترامپ سفیر آمریکا در کانادا بوده است. مسئولیت دیپلماتیک بی‌حاشیه و آسان که با حمایت ترامپ برعهده وی گذشته شده بود. کرافت با همین سابقه کوتاه‌هم اکنون در شورای امنیت سازمان ملل وظیفه سختی برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران برعهده دارد. او پیش از رای‌گیری سازمان ملل درباره قطعنامه ضدایرانی آمریکا در اظهارنظری ناشیانه گفته بود از دست‌اعضای شورای امنیت «کلافه» شده است. او که در سال ۲۰۰۷ به مدت یک‌سال عضو هیات آمریکا در سازمان ملل بوده به دلیل حمایت‌های مالی شهر میلیاردرش به سناد انتخاباتی جمهوری خواهان توانست نظر ترامپ را برای حضور در دولت جلب کند. شخصیت ترامپ، حضور افرایران بی‌توجه‌تر در مسئولیت‌های حساس دولت، تفکرات ایدئولوژیک اوانجلیست‌ها به‌خصوص مایک پمپئو وزیر امور خارجه و نیز در آخر ناپایداری افراد متخصص و جایگزینی آنها با افراد غیرمهار باعث شده است نیروی قدرتمند در دولت ترامپ ایجاد کند. این نیروی قدرتمند فاقد فهم درست از عرصه بین‌الملل، دستگاه‌های سیاست خارجی آمریکا را برخلاف ساختارهای سنتی و حرفه‌ای به حرکت درآورده و شکست‌هایی بی‌دری را برای واشنگتن به ارمغان آورده است. آخرین هم‌اورد این ۴ نیرو در اجرائی کردن «مکانیسم ماشه» است. دولت ترامپ بدون توجه به اطلاعات‌های رسمی و حتی اظهارنظر مسئولان مستقیم پرونده ایران در دولت همانند «برایان هوک» مسئول مستعفی پرونده ایران و جان بولتون مشاور سابق امنیت ملی که گفته بود آمریکا به دلیل خروج از برجام نمی‌تواند این مکانیسم ماشه استفاده کند، به دنبال استفاده از این مکانیسم بود. تاکنون چین و روسیه به‌صورت جداگانه و همچنین بریتانیا فرانسه و آلمان به‌صورت مشترک با درخواست آمریکا مخالفت کرده‌اند و نام‌هایی در این خصوص به رئیس‌دوره‌های شورای امنیت ارسال کرده‌اند. خشم مایک پمپئو از این رفتار اعضای دائم شورای امنیت پس از این مخالفت‌ها در حدی بود که وی مدعی شد نمی‌گذارد چین و روسیه هیچ‌گاه به ایران سلاح بفروشند. وی درباره اروپایی‌ها نیز ادعا کرد آنها طرفدار ایران هستند و می‌ترسند نظر خود درباره تمدید تحریم‌های تسلیحاتی را ابراز کنند. گفته‌های وزیر امور خارجه ترامپ نشان می‌دهد چهارگانه‌هایی که سیاست خارجی آمریکا را از گانه کرده‌اند همچنان به رهبری بزرگ‌ترین فرد ایدئولوژیک کابینه ترامپ مشغول کار هستند.



اندیشه‌هایش در سیاست خارجی ایجاد شود.

۲ حضور اقوام، رفا و همکاران سابق تجاری او در دولت، یکی از موارد دخیل در ایجاد این فضای مانور است. عدم درک صحیح اطرافیان ترامپ از سیاست خارجی، دومین ضلع از مربع فرآیند معیوب در سیاست خارجی آمریکا است. از جمله شاخص‌ترین افراد این دسته می‌توان از «ایوانکا ترامپ» دختر دونالد ترامپ نام برد که دستیار ویژه رئیس‌جمهور است. جرد کوشنر، همسروی نیز مشاور ارشد رئیس‌جمهور است. جیسون گرینبلات، همکار سابق ترامپ در سازمان اقتصادی ترامپ نیز از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امور مذاکرات بین‌المللی بود و وظیفه داشت همراه با جرد کوشنر طرح «معامله قرن» را اجرا کند. این درحالی بود که کوشنر در ساختمان سازی و گرینبلات نیز در امور حقوقی و تجارت دارای سابقه بودند. هر سه این افراد نقش‌هایی بزرگ در عرصه سیاست خارجی ایفا کرده‌اند بدون آنکه کوچک‌ترین تخصص قابل توجهی در این حوزه کسب کرده باشند یا از مشاورانی توانا به‌یاد بگیرند.

۳ دلیل سوم در این میان حضور افراد ایدئولوژیک در بدنه دولت آمریکا است. دو نماینده قدرتمند این گروه «مایک پنس» معاون رئیس‌جمهور و «مایک پمپئو» وزیر امور خارجه آمریکا هستند. این دو فرد متعلق به جریان مسیحیان انجیلی مشهور به «اوانجلیست‌ها» هستند. اوانجلیست‌ها افراط‌گرایان مسیحی هستند که به شدت مدافع صهیونیسم بوده و اسلام‌هراس هستند. این گروه براساس متون مقدس مسیحی به جنگ‌های آخرالزمانی باور داشته و می‌کوشند شرایط آن را براساس روایات مسیحی به وجود آورند. آنها بازگشت مسیح را مشروط به این می‌دانند که سرزمین فلسطین در دست یهودیان باشد و بر همین اساس است که مدافع سرسخت رژیم صهیونیستی هستند. این گروه برخلاف رواج چندفرهنگی در غرب مدافع تک‌فرهنگی مورد نظر خود هستند. پمپئو که یک مسیحی تندرو است و می‌گوید انجیل همیشه روی میزش باز است پیش‌تر درباره جامعه آمریکا گفته است: «آمریکا خدایان دیگری پرستیده و اسمشان را چندفرهنگ‌گرایی گذاشته است. ما اعتراف را تایید کرده و اسمش را سبک زندگی متفاوت گذاشته‌ایم.» این گفته‌ها صراحتاً به متصبل بودن نگاه او اشاره دارد؛ چیزی شبیه آنچه داعش در موصل و نواحی تحت کنترل خود اعمال می‌کرد؛ نابودی تفکرات دیگری در راستای باقی ماندن یک تفکر. وزیر امور خارجه آمریکا در جایی دیگر نیز مدعی شده بود «خدایوند به شدت درگیر روند خاورمیانه‌ای است». مسیحیان اوانجلیست به‌جای حرکت براساس اصول علمی و واقع‌گرایانه بر متون روایات مسیحی تکیه دارند. به همین دلیل درحالی‌که پژوهشکده‌های علمی چین و روسیه آت‌پدیدت‌فوری علیه

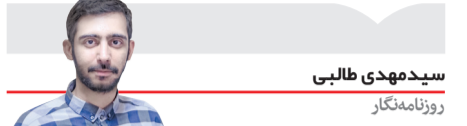
و گروه‌هایی دیگر قدرتی بیش از قدرت‌نهاد‌های سنتی تصمیم‌ساز آمریکایی و در جهت خلاف تولید کرده‌باشند. دلایل ایجاد قدرت برخلاف ساختارهای سنتی سیاست خارجی آمریکا در دولت ترامپ را می‌توان در ۴ مورد عمده دانست که این موارد الزاماً با یکدیگر جمع نشده‌اند و بعضاً با ضرب‌شدن درهم توانسته‌اند قدرتی مضاعف ایجاد کنند.

۱ دلیل نخست به شخصیت ترامپ و عدم درک درست وی از سیاست خارجی مربوط است. او گرچه در سیاست داخلی آمریکا فردی کم‌تجربه شناخته می‌شود اما به هر حال سال‌ها در تائین مالی هزینه‌های انتخابات نقش داشته و خود وی با تکیه بر شرایط و توانایی‌هایش در سال ۲۰۱۶ موفق شده به کاخ سفید راه یابد. این موفقیت غیرمنتظره ترامپ در سیاست داخلی آمریکا، باعث شده وی به تلقی اشتباهی از خود در سیاست خارجی برسد. به‌عبارت دیگر، موفقیت وی در سیاست داخلی و راه‌هایی به کاخ سفید، زمینه‌ای برای اصرارش بر انجام نقشه‌هایش در سیاست خارجی شده است. نقشه‌هایی که البته وی به‌صورت خام آنها را تنها در ذهن طراحی کرده است. نمونه آن را می‌توان در توثیق ناگهانی او در روز ۱۹ دسامبر ۲۰۱۸ (۲۸ آذر ۱۳۹۷) دید. رئیس‌جمهور آمریکا در این روز اعلام کرد تصمیم گرفته تمامی نیروهای آمریکایی را از سوریه خارج کند. این تصمیم بدون توجه به نظرات تمامی مراکز رسمی و غیررسمی تصمیم‌ساز در عرصه سیاست خارجی گرفته شده و تنها منشأ آن، تفکرات ترامپ بود. تنها دو روز بعد «جیمز متیس» وزیر دفاع وقت آمریکا در اعتراض به این تصمیم استعفا کرد تا رئیس‌جمهور با تبعات تصمیم ناگهانی و بدون مشورتش آشنا شود. فشارها به ترامپ باعث شد وی از طرح خروج از سوریه عقب‌نشینی کرده و با اصرار مقامات و نهادهای نظامی هزار نیروی خود را برای محافظت از منابع نفتی اشغالی سوریه به در این کشور نگه دارد. او گمان می‌کند براساس روابط خوب و خوش‌ویش با سران کشورها، می‌تواند از آنها امتیاز بگیرد. «جان بولتون» مشاور امنیت ملی سابق ترامپ که حالا منتقد وی است در کتاب «اتاقی که در آن اتفاق افتاد» که به دوران همراهی وی با ترامپ مربوط است، می‌نویسد: «ترامپ در این اندیشه بود که می‌تواند با ایجاد روابط شخصی با پوتین، روابط با روسیه را ساماندهی کند. «بولتون معتقد است ترامپ قادر به تشخیص روابط شخصی و رسمی نیست. ترامپ در جریان مذاکرات با کره شمالی نیز فکرمی‌کرد بدون برداشتن با کاهش تحریم‌های این کشور، می‌تواند تنها با تکیه بر روابط شخصی با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی وی را وادار به نابودی سلاح‌های هسته‌ای کند. باید در نظر داشت قدرت بالای ترامپ در ساختار شکنی تنها به دلیل شخصیت او ایجاد نشده است بلکه ویژگی‌های دیگر دولت او باعث شده فضای کافی برای مانور ترامپ و

اطلاعات بالا ایجاد کند که می‌تواند ضمن دست‌رسی و دست یافتن به اطلاعات گسترده، آنها را طبقه‌بندی کرده و به‌خوبی ارزیابی کند و بر اساس آنها تصمیمات راهبردی را اتخاذ کند. این ساختار سنتی قدرت بسیاری دارد و فارغ از افرادی که در رأس کشور قرار می‌گیرند، می‌تواند به دلیل نفوذ تاریخی، قدرت سیاست‌ورزی و نیز درهم‌تنیدگی با دولت و نهادهای آن، شخص یا گروه حاکم را به مسیرهای مورد نظر خود هدایت کند. اما در باره دونالد ترامپ و دولتش این اتفاق آن گونه که فرض می‌شد، رخ نداد و او در عمل، بیشترین فاصله را با تصمیم‌سازی‌ها لحاظ کرد و عملاً منافع آمریکا را به چالش کشید تا بسیاری از نقص سیستماتیک سیاست خارجی آمریکا سخن بگویند. در کمتر از چهار سال گذشته، یکجانبه‌گرایی و دیپلماسی ناکام، علاوه بر اینکه اتحاد‌های آمریکا را درهم ریخته، دست‌اوردی نیز به دنبال نداشته است. به‌عنوان نمونه در پرونده هسته‌ای ایران، ترامپ با همکاری پمپئو و بولتون از برجام خارج شد تا سیاست «فشار حداکثری» را اجرائی کند و از طریق آن به مذاکره مجدد برای برجام برسد. پمپئو هنوز مدعی است که تحریم‌ها در حال دستیابی به «نتایج تاریخی» هستند و ترامپ مدعی است ایران در محاصره ارزی است و قرار است خیلی چیزهای بد اتفاق بیفتد. اما در عمل چه اتفاقی افتاد؟ ایران بخشی از تعهداتش را کنار گذاشت و از ۱۲ خواسته‌ای که مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا آن را ردیف کرده بود، هیچ کدامش را نپذیرفت. حالا آمریکا حتی قادر به مذاکره جدید با ایران نیست، چه برسد به مذاکره درباره توافق جدید! سیاست خارجی ترامپ به قدری آشفته و غیرمنتظره بود که حتی جان بولتون که تلاش زیادی برای حضور در دولت او کرده بود نیز ناچار به خروج از کاخ سفید شد. بولتون سومین مشاور امنیت ملی ترامپ بود که برکنار شد. بولتون با توافق پیشنهادی با طالبان مخالف بود؛ با ارتباط عاشقانه ترامپ با رهبر کره شمالی و حتی مذاکره با ایران مخالف بود. تذبذب و درگیری فرزینده آمریکا در بحران‌های مختلف، در عراق، سوریه، افغانستان، اوکراین و بحران‌هایی که در واقع به نوعی آمریکا یک ابرقدرت نامطمئن به‌تصویر کشیده است موجب این شده که جامعه جهانی روی حمایت‌ها با مخالفت‌های آمریکا نتواند دقیقاً محاسبه عقلانی انجام دهد. اما چرا آمریکا از یک شریک مطمئن برای بسیاری از کشورها، به‌بازنگری تبدیل شده که دائم مواضعش در حال نوسان است؟

۴۹ پایه شکست در سیاست خارجی

در دولت ترامپ، ساختار طولیل فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا دچار چالش‌های جدی‌ای شده است؛ چالش‌هایی که با توجه به قدرت ساختار تصمیم‌ساز، تعجب‌برانگیز است. باید نهادها



سید مهدی طالبی
روزنامه‌نگار

چند هفته مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیاز به ارائه دست‌اورد‌های داخلی و بین‌المللی دارد. او در دو هفته اخیر تلاش کرد از پرونده ایران و توافق هسته‌ای، یک برگ برنده در سیاست خارجی روی میز مناظرات انتخاباتی با جو بایدن دموکرات بگذارد، اما دو شکست بی‌سابقه در دو هفته اخیر در شورای امنیت، واشنگتن، امیدوار و تنها روزه امیدش یعنی به‌سرانجام‌سازدن روابط اعراب و رژیم صهیونیستی کرده است. پس از عادی‌سازی روابط چندین ساله امارات و رژیم صهیونیستی، دونالد ترامپ، مایک پمپئو وزیر امور خارجه‌اش را موظف کرد تا از امروز (دوشنبه) به سرزمین‌های اشغالی، امارات، قطر، عمان، بحرین و سودان سفر کند. به‌نظر می‌رسد ماموریت جدید پمپئو متعاقب کردن این کشورها برای احیای روابط با رژیم صهیونیستی است تا از این رهگذر، ترامپ با یک دست‌اورد حداقلی، وارد مناظرات انتخابات ریاست‌جمهوری شود.

این ناکامی بین‌المللی، متاثر از مجموعه‌ای از عوامل است، اما شاید یکی از محورهای آن، سردرگمی مقامات کشورها از شخصیت فردی بود که بدون سابقه سیاسی، عالی‌ترین مقام ایالات متحده آمریکا شده بود. ترامپ در شیوه مدیریت خود به هیچ اصول منسجم و مشخصی پایبند نبود، اما تلاش می‌کرد یک ویژگی را همیشه حفظ کند و آن «غیرقابل پیش‌بینی» بودنش است. او در سیاست خارجی خود، چاشنی دیوانگی را نیز به این غیرقابل پیش‌بینی بودن اضافه کرد تا با استفاده از این مدل که به آن «استراتژی مرد دیوانه» می‌گویند، کشورها را ناچار به دادن امتیاز به آمریکا بکند. ترامپ و دولتش در سه ساله و نیم گذشته با تبدیل این استراتژی به مدل مرکزی سیاست خارجی آمریکا، پرونده‌های بین‌المللی را هدایت کردند تا بیشترین منافع را در راستای شعار «اول آمریکا» به‌جیب بزنند، اما به‌جای منافع، آنها با چندین پرونده بدون حاصل و یک زمین سوخته مواجه شدند. رئیس‌جمهور آمریکا با شعار انتخاباتی اول آمریکا، سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه را در دست‌اورد خود قرار داد و به تبع آن از معاهدات و پیمان‌های متعدد بین‌المللی همچون موافقتنامه آب و هوایی پاریس، یونسکو، نفتا و برجام خارج شد؛ امضایش را از پای بیامیه سران گروه هفت کشور پس گرفت و حتی ناتوا تهدید به خروج از این پیمان کرد. ترامپ نه تنها علیه دشمنان و رقبایش که حتی در برابر متحدین چنددهه‌ای خود تیغ کشید و آنها را ناچار به بازبینی در سیاست‌های پیشین خود کرد. سوال مهم در این نرفته است که چه ویژگی‌هایی در دولت ترامپ وجود داشته که توانسته همانند یک بولدوز به جان دست‌اورد‌ها و ساختارهای تصمیم‌ساز واشنگتن افتاده و آنها را یک‌به‌یک به ویرانی بکشد. این ویژگی‌ها باید به اندازه‌ای قوی و بزرگ بوده باشند که توانسته باشند ساختارهای آمریکا در فرآیندهای مربوط به سیاست خارجی را عقب‌رانده و آنها را به چالش بکشند. فرآیند اتخاذ راه‌ها و تکنیک‌های سیاست خارجی در آمریکا متاثر از دو مجموعه دولت حاکم و دولت در سایه هستند. دولت حاکم افراد دارای مسئولیت‌های سیاسی مانند وزیر، مشاور امنیت ملی، دیپلمات‌ها، دستیاران و نمایندگان کنگره هستند. دولت در سایه نیز دارای بخش‌های مختلفی هستند که اصلی‌ترین بخش آن لابی‌ها و «اتاق‌های فکر» هستند. لابی‌ها و اتاق‌های فکر، نقش بزرگی در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا دارند، به‌گونه‌ای که اگر دولت حاضر در مرحله تصمیم‌گیری اثرگذار باشد، دولت در سایه در مرحله تصمیم‌سازی تأثیر می‌گذارد. به‌عبارت دیگر، تصمیم‌گیری بازیگران رسمی (مسئولان) تا حد زیادی متاثر از تصمیم‌سازی صورت گرفته توسط بازیگران غیررسمی (اتاق‌های فکر) است.

این ساختار چه در سمت بازیگران رسمی و چه در سمت بازیگران غیررسمی از شبکه‌ای بزرگ ایجاد شده که اعضای آن را افرادی با تحصیلات و سابقه‌های نامتکلیلی می‌دهند. همان‌طور که اعضای اتاق‌های فکر می‌توانند به دولت راه یابند، اعضای دولت نیز پس از فراغت از کار دولتی می‌توانند مجدداً عضو اتاق‌های فکر یا همان پژوهشکده‌ها شوند. درهم‌تنیدگی چنین ساختاری توانسته است سیستمی با توانایی و



نظر لاوروف درباره اوضاع بلاروس

وزیر خارجه روسیه از بهبودی اوضاع در بلاروس پس از چند روز ناآرامی در این کشور واقع در اروپای شرقی خبر داد. به گزارش فارس، «سرگئی لاوروف» روز گذشته در خصوص وضعیت بلاروس اظهار داشت: «روسیه به هیچ عنوان مخالف تصمیمات مقامات بلاروس درباره گفت‌وگو با مخالفان نیست. مسکو متوجه تثبیت اوضاع در بلاروس است.» الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس روز شنبه گفت که تحرکات علیه دولت این کشور بخشی از طرح‌فشار به روسیه است. از سوی دیگر وی دستور اجرائی صادر کرد که طی آن شرکت‌هایی که به اعتصاب پرداخته‌اند از روز دوشنبه تعطیل شوند. لوکاشنکو همچنین تأکید کرد نیروهای امنیتی این کشور باید نظم را در داخل و در مرزهای این کشور حفظ کنند. رئیس‌جمهور بلاروس در میانه افزایش تقاضای برای کناره‌گیری از قدرت، گفت تا زمانی که زنده است، انتخابات دوباره در کار نخواهد بود.



افزایش اختلافات در دولت تل آویو

به گزارش ایسنا به نقل از شبکه «کان» همزمان با افزایش تنش‌ها در دولت رژیم صهیونیستی و ادامه اختلافات میان دو حزب لیکود و آبی‌سفید، دولت این رژیم مجدداً جلسه هفتگی‌اش را لغو کرد. در سایه اختلافات میان حزب لیکود به رهبری بنیامین نتانیا‌هو و حزب آبی سفید به رهبری بنی گانتس، اگر بحران میان این دو درباره بودجه تا شامگاه دوشنبه حل نشود کنست منحل می‌شود. روزنامه معاریو نوشت: «حزب میرتس»، حزب آبی سفید را به رأی‌گیری در روز دوشنبه دعوت خواهد کرد. این حزب پیشنهاد سلب رای اعتماد از دولت و حمایت ۶۱ نماینده از یائیر لاپید، رئیس اپوزیسیون برای نخست‌وزیری را مطرح کرده است؛ این مساله اجازه تشکیل دولت جدیدی بدون برگزاری انتخابات را می‌دهد.»

نوبت اول

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای (شماره ۶۰/ع/م/۹۹)

سیستم یکپارچه مدیریت / کد فرم ۱۰/۴۳/۰۰/۱



شرکت آب و فاضلاب
استان قزوین «سهامی خاص»

شرکت آب و فاضلاب استان البرز در نظر دارد احداث مخزن زمینی ۳۰۰ مترمکعبی، بهسازی چشمه، احداث خط انتقال آب، دیوار کشی و محوطه‌سازی تاسیسات روستای زیدشت طالقان را از محل اعتبارات طرح‌های عمرانی و از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای حداقل رتبه ۵ در رشته آب واگذار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۰۲۶-۰۵۱۸۶۰۰۰۰۳۶ انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی اعضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

برآورد پروژه، مدت اجرائی پروژه و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند از جاع کار: برآورد براساس فهرس بهانه انبیه و انتقال و توزیع آب روستایی سال ۱۳۹۹، مبلغ ۶۶۳۴۴۸۹٫۲۳۶ ریال و مدت اجرائی کار ۶ (شش) ماه و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۳۳۱۹٫۲۲۴٫۴۸۱ ریال به صورت واریز نقدی به حساب شرکت، ضمانتنامه بانکی یا اوراق مشارکت می‌باشد.

مناقصه‌گران علاوه بر بارگذاری فایل pdf تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار، موظف به ارائه آن در پاکت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۴:۳۰ روز شنبه مورخ ۹۹/۰۶/۲۲ به دفتر قرارداد‌های شرکت آب و فاضلاب استان البرز می‌باشند.

مهلت تحویل اسناد مناقصه: پیشینه‌ها دهندگان می‌بایست مدارک لازم را مطابق مندرجات برگ شرایط تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۹۹/۰۶/۲۲ به صورت فایل pdf در سامانه فوق بارگذاری نمایند.

تاریخ بازگشایی پاکت: ساعت ۱۳:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۶/۲۳ خواهد بود.

داوطلبان می‌توانند به‌منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۹۹/۰۶/۲۳ خواهد بود.

تلفن تماس: ۰۲۶-۳۲۱۱۷۱۵۰

سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات به آدرس (etsmporg.ir) مراجعه نمایید.

شرکت آب و فاضلاب استان البرز
سهامی خاص

شناسه آگهی: ۹۵۸۴۸۸